

## قتل دکتر سرشناس تهران



پیش از دکتر سربابی، یک دکتر سرشناس دیگر به نام دکتر عبدالرضا سودبخش در سال ۸۹ در بلوار کشاورز تهران و توسط دو موتورسوار هدف گلوله قرار گرفت. دکتر سودبخش فوت شد و پس از آن تیمی از ماموران اداره دهم آگاهی وارد عمل شدند. آنها در تحقیقات ویژه دریافتند دکتر سودبخش هرگز و از سوی گروه یا کسی تهدید به قتل نشده بود. پس از آن، شائبه سیاسی بودن پرونده و ارتباط قتل دکتر سودبخش با بازداشتگاه کهریز مطرح شد که یک مقام ارشد نیروی انتظامی در سال ۸۹ درمورد آن گفت قتل این پزشک هیچ ربطی به موضوعات سیاسی ندارد و پلیس به دنبال عاملان آن است. با گذشت ۱۱ سال راز قتل این پزشک فاش نشد.

## انتقام جویی به خاطر مرگ بیمار کرونایی

۲۷ آذر امسال، دکتر رامین جلیلی که پزشک متخصص بخش بیماران کرونایی در یکی از بیمارستان‌های میانه بود، از ناحیه سر هدف شلیک گلوله قرار گرفت. ۲۴ ساعت پس از حادثه، یکی از متهمان دستگیر شد. در ادامه تحقیقات، متهم دو همدست دیگرش را لو داد که دستگیر شدند و هدف از قتل دکتر انتقام جویی به خاطر مرگ بیمار کرونایی خود عنوان کردند. متهمان اصلی دو پسر عمو بودند که پدران‌شان به دلیل ابتلا به کرونا جان باختند. پزشک معالج دوبرادر، دکتر جلیلی بود که فرزندان قربانیان کرونا او را مقصر مرگ پدرشان می‌دانستند.

## حمله مرد زن نما

کمتر از دو هفته پس از قتل دکتر جلیلی، این بار یک مرد مسلح زنانه پوش به مطب دکتر رضاملکی که دکتر عفونی در خیابان امام شهرستان ایزده بود، حمله کرد و او را هدف شلیک دو گلوله قرار داد. پس از آن مردی به هواخواهی دکتر برخاست و با مرد مسلح درگیر شد که به او نیز دو تیر شلیک کرد و سپس پا به فرار گذاشت. در مدت کوتاهی، اورژانس و پلیس به محل حادثه رسیدند و دو مجروح به دلیل وخامت وضعیت جسمی و اصابت گلوله به پاها و شکم به مراکز درمانی منتقل شدند. تحقیقات درمورد این حادثه ادامه دارد.



گزارشی از دادگاه زوج جوان که با دلیلی عجیب، تصمیم به جدایی گرفتند

## دعوی اضافی بر سر خرید



صحرا و پوریا شش ماه بیشتر نتوانستند با هم زندگی کنند. آنها کارشان به جدایی کشید، ولی انگیزه‌شان خیلی عجیب بود. این زوج وقتی بر سر خریدهای خانه با یکدیگر درگیر شدند، تصمیم گرفتند برای همیشه از هم جدا شوند.

وقتی آنها روبه‌روی قاضی دادگاه خانواده تهران

قرار گرفتند، مرد جوان رشته کلام را در دست گرفت و درباره علت این جدایی گفت: شش ماه است زندگی مشترکمان را آغاز کرده‌ایم. ولی در این مدت همیشه با هم دعوا داشتیم. آن هم بر سر یک موضوع. هر بار که من برای خانه خرید کردم این زن بهانه‌گیری‌هایش را شروع کرد. بعد هم کارمان به دعوا و درگیری کشید. او همیشه به خریدهای من اعتراض داشت. می‌گفت همه چیز را بیش از اندازه می‌خرم. در صورتی که من اخلاقم همین‌طور است. اصلاً نمی‌توانم کم خرید کنم. هر بار صحرا از من می‌خواست چیزی بخرم، خجالت می‌کشیدم کم بخرم. دست خودم نیست. اما به نظر من این مساله‌ای نیست که همسرم بخواهد هر بار به خاطرش جنجال راه بیندازد. هر بار از خرید برمی‌گردم زندگیمان جهنم می‌شود. شروع می‌کند به داد و فریاد که باز هم مثل قبل خرید کردی. باز هم همه چیز زیاد است. همیشه هم به او می‌گویم اگر مرا قبول نداری خودت خرید کن، ولی می‌گوید این وظیفه توست. چرا خرید برای خانه باید وظیفه من باشد. زندگی ما مشترک است. اما صحرا نه حاضر می‌شود خودش خرید کند، نه خرید کردن مرا قبول دارد. برای همین سر این مساله بی‌اهمیت، بارها درگیر شدیم و یک روز خوش نداشتم. همین موضوع نشان می‌دهد این زن چقدر لجباز است و مرتب می‌خواهد با من جنگ داشته باشد. برای همین تصمیم گرفتم برای همیشه از او جدا شوم. زندگی ما در آینده عاقبت خوبی نخواهد داشت.

در ادامه، همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم اسراف می‌کند. من حرف منطقی می‌زنم. می‌گویم وقتی خرید می‌کنی همان مقداری که می‌گویم بخر. اما سه برابر آن چیزی که می‌گویم خرید می‌کند. مثلاً چند کیلو میوه می‌خرد. در این گرانی هم پولمان بیهوده از دست می‌رود و هم میوه‌ها خراب می‌شود و باید آنها را دور بریزم. اوایل فقط به او تذکر می‌دادم، اما پوریا هر بار این موضوع را تکرار کرد. بعد از مدتی احساس کردم با من سر لج افتاده است. حتی یک بار هم حاضر نشد به حرفم گوش کند. اگر او ذره‌ای به حرف من اهمیت می‌داد، این همه دعوا و جنجال راه نمی‌افتاد. اما او باعث شد زندگی ما به خاطر این مساله بی‌اهمیت و کوچک به میدان جنگ تبدیل شود. هر بار که پوریا از خرید برمی‌گشت من بیشتر از قبل عصبانی می‌شدم. چون احساس می‌کردم او از روی عمد این همه خرید می‌کند و می‌خواهد مرا آزار دهد. برای همین عصبانی می‌شدم و دعوا راه می‌افتاد. تا این که سر همین مساله دعوی شدیدی کردیم. همان شب تصمیم گرفتم برای همیشه از او جدا شوم، چون فهمیدم شوهرم مرد لجبازی است و فقط می‌خواهد برخلاف خواسته من عمل کند.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زوج خواست با یک مشاوره خانواده مشورت کنند.

## بهانه طلاق، نه دلیل آن!

سارا شقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید: معمولاً برخی مشکلات اوایل زندگی زناشویی باعث می‌شود دعوا و مشاجره جای شیرینی زندگی را برای زوج‌های جوان بگیرد. در دنیای واقعی دیده‌می‌شود خیلی از ازدواج‌ها به دلایل مختلف از همان ابتدا به اختلافات و مشکلات زیادی می‌خورند. در این میان برخی زوج‌ها نیز بعد از مدتی به بن‌بست می‌رسند. آمار نشان می‌دهد بسیاری از ازدواج‌ها همان سال‌های ابتدایی زندگی متوقف می‌شود. به نظر من خیلی مهم است که از همان ابتدای زندگی زن و شوهر مهارت کنترل هیجانات خود را داشته باشند. نباید برای مسائل ساده و پیش پا افتاده، عصبانی شوند و کنترل خود را از دست بدهند. اگر این اتفاق تکرار شود ممکن است دیگر قابل جبران نباشد. بنابراین مهارت تنظیم هیجان و کنترل خشم می‌تواند به زوج‌ها در این زمینه کمک کند. از طرف دیگر، گاهی زوج‌ها در سال‌های ابتدایی زندگی مشترک به دلیل این که نمی‌توانند تفاوت‌های همدیگر را درک کنند، دچار تنش و لجبازی شده و به همین دلیل زندگی خود را نابود می‌کنند. مهارت کنترل خشم و درک تفاوت‌ها از مهم‌ترین مسائلی است که زن و شوهر باید پیش از ازدواج نسبت به آن آگاهی لازم را داشته باشند.

شما در این صفحه بارها با دلایل عجیب طلاق روبه‌رو شدید که برخی مواقع حتی باورش هم سخت است. مثل همین پرونده که دلیل قانع‌کننده‌ای برای پایان دادن به زندگی مشترک وجود ندارد، اما بهانه است. وقتی پای صحبت‌های این زوج‌ها بنشینیم، متوجه می‌شویم علت اصلی طلاق موارد دیگری است که نتوانسته‌اند آنها را بیان یا حل کنند. به همین علت موضوعی را بزرگ و با لجبازی آن را به بهانه‌ای برای طلاق تبدیل کرده‌اند. همان‌طور که اشاره کردم، لجبازی باعث افزایش اختلافات و بزرگ شدن آن می‌شود و پايانش طلاق است.

## اعتراف مادر به قتل نوزاد

متوجه شده نوزاد ۵۰ روزه‌مان ناپدید شده است. وی افزود: با توجه به اظهارات ضد و نقیض مادر این نوزاد، وی به عنوان مظنون اصلی پرونده بازداشت شد. او در ادامه تحقیقات به قتل فرزند ۵۰ روزه خود اعتراف کرد و گفته بود که پس از قتل، جسد کودک را به باغ‌های اطراف آشتیان منتقل و دفن کرده است. با اعتراف‌های او بود که ماموران به محل مورد نظر رفتند و جسد را یافتند. متهم پرونده درباره قتل فرزندش اظهارات ضد و نقیضی را مطرح کرد و تحقیقات برای مشخص شدن انگیزه وی از این کار ادامه دارد.

زنی که به اتهام قتل نوزاد ۵۰ روزه‌اش بازداشت شده بود به قتل اعتراف کرد.

سرهنگ محمود خلجی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان مرکزی در این باره به تپش گفت: پس از ناپدید شدن کودک ۵۰ روزه‌ای از داخل خانه‌ای در شهرستان آشتیان، تحقیقات ماموران در این باره آغاز شد. ماموران ابتدا به تحقیق از پدر کودک پرداختند که وی در جریان تحقیقات گفت: ساعت ۷ صبح از خانه خارج شده و به محل کارم رفتم. ساعت ۱۱ که بازگشتم، همسرم با نگرانی عنوان کرد برای خرید به خارج از خانه رفته و به دلیل باز بودن در، پس از بازگشت